### حکم اجتهاد

اجتهاد چون فعلی از افعال مکلف است می‌تواند محکوم‌ به احکام خمسه (وجوب، استحباب، اباحه، کراهت، حرمت) شود. البته به دلیل اینکه اجتهاد سه حالت (لعمل نفسه، فی نفسه، لعمل غیره) دارد، اتصاف به احکام خمسه باید در هر سه حالت بررسی شود.

#### حکم اجتهاد لعمل نفسه

اجتهاد لعمل نفسه در احکام الزامی مبتلابه، واجب است اما از لحاظ نوع وجوبش، وجوب تخییری دارد.

#### حکم اجتهاد فی نفسه

حکم اجتهاد فی نفسه (اجتهادی که با عمل خود مجتهد و یا غیرخود گره نخورده است)، به استناد روایات کثیر، استحباب موکد است. البته این نوع از اجتهاد اختصاص به احکام تجویزی فقهی نداشته و در سایر معارف توصیفی دینی(اعتقادات، کلام، اخلاق) نیز قابل جریان است؛ زیرا ادله اطلاق دارند.

#### ملاحظات در اجتهاد فی نفسه

 **ملاحظه اول** : اجتهاد فی نفسه استحباب نفسی دارد؛ اما در اجتهاد لعمل نفسه و لعمل غیره دو ملاک استحباب نفسی و وجوب غیری محرز است.

**ملاحظه دوم :** حکم استحباب نفسی اختصاصی به احکام الزامی نداشته و اعم از الزامی و غیر الزامی است.

**ملاحظه سوم** : حکم استحباب نفسی امری منوط به مورد ابتلا بودن آن نیست؛ البته چنانچه حکم مبتلا به باشد متصف به حکم دیگری هم می‌شود.

**ملاحظه چهارم :** حکم استحباب نفسی در اجتهاد فی نفسه تعیینی بوده و تخییری نیست.

**ملاحظه پنجم** : حکم استحاب نفسی در اجتهاد فی نفسه عینی است و بر هر کسی، تعلم و استنباط معارف دین مستحب موکد است.

**ملاحظه ششم** : استحباب نفسی اجتهاد فی نفسه، استحباب تشکیکی و ذو مراتب است، هر چه قدر اهمیت یک مبحث در نظام تفکر دینی بالاتر باشد، فهم و اجتهاد در فهم آن نیز استحباب بیشتری خواهد داشت.

این تشکیک هم مستفاد از ادله است که در بعضی از مسائل حجم بیشتری از روایات و ادله وجود دارد و هم از ارتکازات فهمیده می‌شود که اهمیت حکم تابع اهمیت موضوع است.

**ملاحظه هفتم** : حکم استحباب از نوع توصلی نوع دوم (برزخ بین توصلی و تعبدی) است.

**ملاحظه هشتم** : در استحباب اجتهاد لنفسه دو دلیل وجود دارد 1- استحباب عام و فراگیر که موضوع آن یادگرفتن معارف دینی است چه اجتهادا و چه تقلیدا 2- استحباب خاص که موضوع آن تعلم مجتهدانه است و این دو دلیل در اجتهاد فی نفسه جمع شده است.

البته این استحباب منوط به شرایط تکلیف بوده و قوانین تزاحم نیز جریان دارد.

#### آیا اجتهاد فی نفسه همیشه مستحب موکد است؟

واضح است حکم استحباب موکد اجتهاد فی نفسه با تغییر عناوین و شرایط متفاوت می‎گردد و می‎تواند با عارض شدن احوال و عواملی، حکم آن تغییر کند که در مجموع می‌تواند متصف به احکام خمسه(وجوب، استحباب، اباحه، کراهت، حرمت) بشود.

#### وجوب اجتهاد فی نفسه

اجتهاد فی نفسه در شرایطی واجب می‌شود و دلیل بر این وجوب می‌تواند به قرار زیر باشد:

**دلیل عقلی :**

از آنجایی که عدم وجود متخصص دینی و مجتهد در هر عصری موجب فرسودگی آن دین می‌گردد و قطعاً می‌دانیم این مسأله مورد رضای مولا نمی‌باشد، از این جهت اجتهاد فی نفسه به حکم عقل واجب می‎گردد.

**دلیل لفظی** :

 **1. آیه نفر**

در آیه « فَلَوْ لا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُون» [[1]](#footnote-1)بنا بر اینکه لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّين به معنای اجتهاد لحاظ شود می‌تواند بر وجوب اجتهاد فی نفسه دلایت بکند.

**بررسی دلالی**

اگر گفته شود که آیه ناظر بر تفقهی که برای انذار است می‌باشد و مربوط به اجتهاد لغیره است، گفته می‌شود از آنجایی که لِيُنْذِرُوا با لفظ "و" از ما قبل جدا شده است صرفاً نمی‎تواند حکم وجوب تفقه را منحصر در انذار کند؛ بلکه وجوب نفس تفقه نیز می‌تواند موضوعیت داشته باشد.

1. . (التوبه: 122) [↑](#footnote-ref-1)